

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علی قیام امام حسین (ع)

مولف:

حمیرا حسنی نرنجاہ

بلیسی صیدی

لیلا یحیی پور



نشر ارادہ

۱۳۹۵

سرشناسه	: حسنی نارنجباغی، حمیرا، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: علل قیام امام حسین (ع)/مولفان حمیرا حسنی نارنجباغی، بلقیس صیدی، لیلا یحیی پور.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات اراده، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۳۳-۱۵-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق.
موضوع	: Hosayn ibn 'Ali, Imam III , 625-680:
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ق -- علل
موضوع	: Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680 -- Causes :
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ق -- فلسفه
موضوع	: Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680 -- Philosophy :
شناسه افزوده	: صیدی، بلقیس، ۱۳۵۲ -
شناسه افزوده	: یحیی پور، لیلا، ۱۳۵۱ -
رده بندی کنگره	: P ۴۱/۵۱ ۸۶۴۱ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۵۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۲۴۲۸۳

علل قیام امام حسین (ع)

مولفان: حمیرا حسنی نارنجباغی - بلقیس صیدی - لیلا یحیی پور

ناشر: نشر اراده

نوبت چاپ و سال چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: نگین تهران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۳۳-۱۵-۳

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران-میدان انقلاب - خ کارگر شمالی - خ فرصت شیرازی - پلاک ۲۰ - واحد ۲

تلفن: ۰۲۱۶۶۵۹۶۵۲۱

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۵	مقدمه
۱۰	کتاب شناسی قیام امام حسین (ع)
۱۰	-نقد و بررسی متون تاریخی پیرامون امام حسین (ع) و تاریخ شیعه
۱۰	-کامل الزیارات یا کامل الزیارات و الذریعه ابن قولویه
۱۰	کتاب «اللهوف علی قتلی الطفوف»
۱۲	بحارالانوار علامه مجلسی دائره المعارف شیعه
۱۳	کشف الغائبه اربلی قرن هفتم
۱۴	نقد و بررسی عرفان پژو - پیرامون عاشورا و قیام کربلای حسینی
۲۳	اهمیت روز عاشورا
۲۶	زندگانی امام حسین (ع)
۳۰	علل، ماهیت و نتایج قیام حسین
۴۴	آثار و نتایج قیام
۴۷	نقش زینب (س) در قیام کربلا
۵۶	داستان هایی از زندگانی امام حسین (ع)
۶۴	اخلاق و رفتار امام حسین (ع)
۶۸	قیام امام حسین (ع) از نظر مولف کتاب اخبار الطوال
۷۲	واقعۀ کربلا
۷۳	شهادت مسلم بن عقیل
۷۵	بیرون آمدن امام حسین (ع) بسوی کوفه
۸۲	سرانجام امام حسین (ع)
۹۳	چهل حدیث گهربار از امام حسین (ع)
۱۰۵	منابع

یزید پس از معاویه بر تخت حکومت اسلامی تکیه زد و خود را امیرالمؤمنین خواند، و برای این که سلطنت ناحق و ستمگرانه اش را تثبیت کند، مصمم شد برای نامداران و شخصیت‌های اسلامی پیامی بفرستد و آنان را به بیعت با خویش بخواند. به همین منظور، نامه‌ای به حاکم مدینه نوشت و در آن یادآور شد که برای من از حسین (ع) بیعت بگیر و اگر مخالفت نمود بقتلش برسان. حاکم این خبر را به امام حسین (ع) رسانید و جواب مطالبه نمود. امام حسین (ع) چنین فرمود:

"انا لله وانا اليه راجعون و علی الاسلام السلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید آن گاه که افرادی چون یزید، (شایب خمار و قمارباز و بی ایمان و ناپاک که حتی ظاهر اسلام را هم مراعات نمی کنند) بر مسند حکومت اسلامی بنشینند، باید فاتحه اسلام را خواند. (زیرا این گونه زمامدارها با ندوی اسلام و به نام اسلام، اسلام را از بین می برند.) (لهوف، ص ۲۰)

امام حسین (ع) می دانست اینکه که حکومت یزید را به رسمیت نشناخته است، اگر در مدینه بماند به قتلش می رسانند، لذا به امر پروردگار، شبانه و مخفی از مدینه به سوی مکه حرکت کرد. آمدن آن حضرت به مکه، هم موجب بر باز زدن او از بیعت یزید، در بین مردم مکه و مدینه انتشار یافت، و این خبر تا به کوفه هم رسید. کوفیان از امام حسین (ع) که در مکه بسر می برد دعوت کردند تا به سوی آنان آید و زمامدار امورشان باشد. امام (ع) مسلم بن عقیل، پسر عموی خویش را به کوفه و استاد تا حرکت و واکنش اجتماع کوفی را از نزدیک ببیند و برایش بنویسد. مسلم به کوفه رسید و با استقبال گرم و بی سابقه‌ای روبرو شد، هزاران نفر به عنوان نایب امام (ع) با او بیعت کردند، و مسلم هم نامه‌ای به امام حسین (ع) نگاشت و حرکت فوری امام (ع) را لازم گزارش داد. (نقل و تلخیص از زندگانی امام حسین (ع) از هاشم محلاتی)

هر چند امام حسین (ع) کوفیان را به خوبی می شناخت ، و بی وفایی و بی دینی شان را در زمان حکومت پدر و برادر دیده بود و می دانست به گفته ها و بیعتشان با مسلم نمی توان اعتماد کرد، ولیکن برای اتمام حجت و اجرای اوامر پروردگار تصمیم گرفت که به سوی کوفه حرکت کند.

با این حال تا هشتم ذی حجه ، یعنی روزی که همه مردم مکه عازم رفتن به "منی" بودند و هر کس در راه مکه جا مانده بود با عجله تمام می خواست خود را به مکه برساند آن حضرت در مکه ماند و در چنین روزی با اهل بیت و یاران خود، از مکه به طرف عراق خارج شد و با این کار هم به وظیفه خویش عمل کرد و هم به مسلمانان جهان فهماند که در پیغمبر امت ، یزید را به رسمیت نشناخته و با او بیعت نکرده ، بلکه علیه او قیام کرده است . (هوف ، ص ۲۲)

یزید که حرکت مسلم را به سبب کوفه دریافته و از بیعت کوفیان با او آگاه شده بود، ابن زیاد را (که از پلیدترین یاران یزید و از کثیفترین طرفداران حکومت بنی امیه بود) به کوفه فرستاد. ابن زیاد از ضعف ایمان و دورویی و ترس مردم کوفه استفاده نمود و با تهدید ارباب ، آنان را از دور و بر مسلم پراگند ساخت ، و مسلم به تنهایی با اعمال ابن زیاد به نبرد پرداخت ، و پس از جنگی دلاورانه و سخت ، با شجاعت شهید شد.

(سلام خدا بر او باد). و ابن زیاد جامعه دورو و خیانتکار و بی ایمان کوفه را علیه امام حسین (ع) برانگیخت ، و کار به جایی رسید که عده ای از مردم کوفه کسانی که برای امام (ع) دعوت نامه نوشته بودند، سلاح جنگ پوشیدند و منتظر ماندند تا امام حسین (ع) از راه برسد و به قتلش برسانند.

امام حسین (ع) از همان شبی که از مدینه بیرون آمد، و در تمام مدتی که در مکه اقامت گزید، و در طول راه مکه به کربلا، تا هنگام شهادت ، گاهی به اشاره ، گاهی به اعلان می داشت که : "مقصود من از حرکت ، رسوا ساختن حکومت ضد اسلامی یزید و

صراحت ، برپاداشتن امر به معروف و نهی از منکر و ایستادگی در برابر ظلم و ستمگری است و جز حمایت قرآن و زنده داشتن دین محمدی هدفی ندارم .

و این مأموریتی بود که خداوند به او واگذار نموده بود، حتی اگر به کشته شدن خود و اصحاب و فرزندان و اسیری خانواده اش اتمام پذیرد. رسول گرامی (ص) و امیرمؤمنان (ع) و حسن بن علی (ع) پیشوایان پیشین اسلام ، شهادت امام حسین (ع) را بارها بیان فرموده بودند. حتی در هنگام ولادت امام حسین (ع) ، و خود امام حسین (ع) به رسول گرامی (ص) شهادتش را تذکر داده بود.

علم امامت بی دانتست که آخر این سفر به شهادتش می انجامد، ولی او کسی نبود که در برابر دستور آسمانی و فرمان خدا برای جان خود ارزشی قائل باشد، یا از اسارت خانواده اش واهمه ای دل را دهد. او آن کس بود که بلا را کرامت و شهادت را سعادت می پنداشت . (سلام اندکی خراب و باد). (نقل از: کامل الزیارات ، ص ۶۸ به بعد - مشیر الاحزان ، ص ۹)

خبر "شهادت حسین (ع) در کربلا" به قدری در اجتماع اسلامی مورد گفتگو واقع شده بود که عامه مردم از پایان این سفر مطلع بودند. چون جسته و گریخته ، از رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن بن علی (ع) و دیگر بزرگان صدر اسلام شنیده بودند. بدینسان حرکت امام حسین (ع) با آن درگیریها و نا اطمینان احتمالی کشته شدنش را در اذهان عامه تشدید کرد. بویژه که خود در طول راه می برد: "امن کان باذلا فینا مهجته و موطننا علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا".

هر کس حاضر است در راه ما از جان خویش بگذرد و به ملاقات پروردگار بشتابد، همراه ما بیاید. و لذا در بعضی از دوستان این توهم پیش آمد که حضرتش را از این سفر منصرف سازند. (لهوف ، ص ۵۴)

غافل از این که فرزند علی بن ابی طالب (ع) امام و جانشین پیامبر، و از دیگران به وظیفه خویش آگاهتر است و هرگز از آنچه خدا بر عهده او نهاده دست نخواهد کشید. باری امام حسین (ع) با همه این افکار و نظریه ها که اطرافش را گرفته بود به راه خویش ادامه داد، و کوچکترین خطئی در تصمیمش راه نیافت.

سرانجام، رفت، و شهادت را دریافت. نه خود تنها، بلکه با اصحاب و فرزندان که هر یک ستاره ای درخشان در افق اسلام بودند، رفتند و کشته شدند، و خونهایشان شنهای گرم دست کربلا را لاله باران کرد تا جامعه مسلمانان بفهمد یزید (باقی مانده بسترهای گناه آورد خاندان امیه) جانشین رسول خدا نیست، و اساسا اسلام از بنی امیه و بنی امیه از اسلام جداست. (تلخیص از کامل الزیارات)

راستی هرگز اندیشه بد را، اگر شهادت جانگداز و حماسه آفرین حسین (ع) به وقوع نمی پیوست و مردم یزید را خلیفه پیغمبر (ص) می دانستند، و آن گاه اخبار دربار یزید و شهوترانیهای او و اعمالش را می شنیدند، چقدر از اسلام متنفر می شدند، زیرا اسلامی که خلیفه پیغمبرش یزید باشد، به راهی نیز تنفرآور است ... و خاندان پاک حضرت امام حسین (ع) نیز اسیر شدند تا آخرین رسالت این شهادت را به گوش مردم برسانند. و شنیدیم و خواندیم که در شهرها، در بازارها، در مسجدها، در بارگاه متعفن پسر زیاد و دربار نکبت بار یزید، همواره و همه جا دهان گشودند و ریا کردند، و پرده زیبای فریب را از چهره زشت و جنایتکار جیره خواران بنی امیه برداشتند و ثابت کردند که یزید سگ باز و شرابخوار است، هرگز لیاقت خلافت ندارد و این اریکه ای که او بر آن تکیه زده جایگاه او نیست. سخنانشان رسالت شهادت حسینی را تکمیل کرد، طوفانی در جانها برانگیختند، چنان که نام یزید تا همیشه مترادف با هر پستی و رذالت و دناءت گردید و همه آرزوهای طلایی و شیطانیاش چون نقش بر آب گشت. نگرشی ژرف می خواهد تا بتوان بر همه ابعاد این شهادت عظیم و پرنتیجه دست یافت.